

بسمه تعالی

قضات و مستشاران محترم دادگاه تجدید نظر استان

موضوع: پاسخ به لایحه تجدید نظر خواهی شرکت نسبت به دادنامه شماره مورخ صادره از شعبه دادگاه عمومی حقوقی

با سلام و تقدیم احترام به وکالت از تجدیدنظر خوانده (.....) و در جهت تأیید و ابرام دادنامه موضوع تجدیدنظر خواسته ذیلاً مواردی را در پاسخ به تجدیدنظر خواهی شرکت تجدیدنظر خواه به استحضار آن مقام عالی می رساند؛

۱- چنانچه دادگاه محترم تجدید نظر در بند ۱۲ از لایحه تجدیدنظر خواهی شرکت تجدیدنظر خواه مذاقه لازم را مبذول فرمایند، ملاحظه می گردد که وکلای محترم شرکت تجدید نظر خواه قید "اصل معامله و قرارداد" تفسیر موسع به نفع موکل خود نموده و به موارد فسخ قرارداد نیز تسری داده است!

اولاً- منظور از اصل معامله، اصالت معامله و قرارداد است و به عبارت دیگر آنچه در وهله نخست رسیدگی بدان به دادگاه محول شده رسیدگی به اعتبار یابی اعتباری قرارداد است نه اینکه به موارد فسخ (بر فرض وجود) نیز تسری داده شود.

مضافاً اینکه آنچه مسلم است حتی بر فرض صحت ادعای تجدیدنظر خواه در ماهیت فسخ قرارداد ارتباطی به اصل معامله ندارد و حتی اعلام آن هم از سوی مرجع ذی صلاح اعتبار قرارداد را ساقط نخواهد کرد.

جالب اینکه تجدیدنظر خواه جهت اثبات ادعای خود (اعلام فسخ قرارداد) در ماهیت به موارد مصرحه در همان قرارداد استناد نموده است!

سوالی که مطرح است اینکه؛ چنانچه ایشان مستند فسخ قرارداد فی ما بین را از مفاد و شروط قرارداد ذکر نموده است، چگونه از نظر شکلی همان قرارداد را بدون اصالت از شمول ماده ۴۶۱ می دانند؟!

ثانیاً - تصریح قانونگذار در ماده ۴۶۱ از قانون آئین داری مدنی را باید در ادامه ماده ۴۶۰ آن قانون و منحصر به مواردی دانست که جهت تعیین داور به محکمه رجوع گردیده و طرف مقابل دادخواست تعیین داور مدعی عدم اصالت معامله است که در این صورت آن دادگاه بدو می بایست به این موضوع رسیدگی نماید. خصوصاً که از ظاهر ماده ۴۶۱ نیز مسلم است که موضوع در دادگاه مطرح و سپس نسب به اصالت معامله (نه فسخ قرارداد) اختلاف گردیده است نه اینکه همچون ما نحن فیه موضوع با خواسته اعلام فسخ بدو در دادگاه مطرح شده باشد.

۲- اینکه؛ چنانچه در دادخواست بدوی تجدیدنظرخواه مذاقه لازم را مبذول فرمائید ملاحظه می گردد که تجدیدنظرخواه از ارائه مستند خود مبنی بر استعفا نامه داور معین (.....) در ضمیمه استنکاف نموده و به یکباره در مرحله تجدیدنظر چنین ادعایی را مطرح نموده است که به هیچ وجه اصالت این سند مورد تأیید موکله نمی باشد و ایشان از حقوق حاصله از مواد ۲۱۶ الی ۲۲۸ قانون آئین داری مدنی (ادعای تردید و جعل) محروم مانده است.

۳- حتی بر فرض اصالت سند مورد استناد تجدیدنظرخواه و استعفای احدی از داوران تعیینی ، مستفاد از ماده ۴۶۰ آن قانون مراجعه مستقیم به دادگاه مربوط به زمانی است که طرفین نتوانند بر انتخاب داور جدید تراضی نمایند و احراز عدم تراضی طرفین جز با رعایت مقررات ماده ۴۵۹ قانون آئین داری مدنی (ارسال اظهارنامه و معرفی داور تجدید) میسر نخواهد بود که این مهم در بدو امر و قبل از طرح دعوی از سوی شرکت خواهان صورت نگرفته است.

علیهذا بنا به مراتب معونه فوق از آن دادگاه عالی تقاضای تأیید و ابرام دادنامه موضوع تجدیدنظرخواسته مورد استدعاست./

با تجدید احترام

رضا شریفی اردانی